

روزنه

گزارش بزرگداشت ۵۰ سال تلاش دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی ۵۰ سال خاطره، در سالن ۱۰۰

رضا قوی‌فکر

- مقدمه

پنجاهمین سال تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی روز نهم اسفندماه در سالن ۱۰۰ این دانشکده که در سال‌های اول محل تشکیل کلاس‌های مسائل روز بود، برگزار شد و دانش‌آموختگان رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی درباره اهمیت دانشکده خود سخن گفتند. دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی را در سال ۱۳۴۶ دکتر مصطفی مصباح‌زاده، بنیان‌گذار مؤسسه کیهان با رشته‌های تازه و مدرنی که تا آن زمان سابقه نداشت، تأسیس کرد و فارغ‌التحصیلان آن، هم در مطبوعات کشور و هم در ادارات روابط عمومی نقش بسیار مهمی در ۵۰ سال گذشته ایفا کرده‌اند. آنچه در پی می‌آید، گزارش دل‌نشانی است که آقای رضا قوی‌فکر، روزنامه‌نگار درباره این مراسم و بزرگداشت دانشکده‌ای نوشته که خود در آن تحصیل کرده است.

گویي هزار سال حرف برای گفتن دارند این جماعت عاشق که ماه‌هاست چشم‌انتظار این روز، لحظه‌شماری کرده‌اند. ایپان، زنان و مردانی هستند که وقتی درشان تمام شد و رفتند جوان و شاداب بودند و آماده کار و حالا که پس از ۵۰ سال بازگشته‌اند، موهایشان سیید شده است. برخی با عصایی در دست آمده‌اند و عده‌ای از پشت عریک زمان درید در دنبال یاری دیرین می‌گردند. هرکدام به عشق این روز از یک گوشه دنیا راهی شده‌اند؛ یکی از آمریکا، آن دیگری از کانادا و چندتایی هم از مشهد و گرگان و اهواز. اما همه یک وجه مشترک دارند؛ هگی، دانشجوی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی بوده‌اند.پنجشنبه نهم اسفند ۱۷ این دانشکده بار دیگر جان‌گرفت، زنده شد و درخشید. بزرگداشت پنجاهمین سالگرد تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی بهانه شیرینی بود تا فکر برپایی آن بین چند فارغ‌التحصیل رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی این دانشکده شکل گیرد. جلسات متعددی برای برپایی هرچه باشکوه‌تر این مراسم در دفتر خسرو رفیعی از دانشجویان ورودی سال ۵۷ رشته روزنامه‌نگاری تشکیل شد و نتیجه آن شد که ساعت ۹:۳۰ صبح پنجشنبه نهم اسفند، مراسم تجلیل از این دانشکده جان که ۵۰ سال پیش با آینده‌نگری دکتر مصباح‌زاده تأسیس شد، کلید بخورد. مردان و زنان پا به سن گذاشته‌امز امروز و جوان و شاداب دیروز یکی‌یکی از راه می‌رسند. بوسه‌ها پشت سرهم بر گونه‌های آشنا، فرودمی آید. بازار فریاد شادی داغ است. به محض آنکه پایشان به محوطه دانشکده می‌رسد، حالشان دگرگون می‌شود. انگار زمان به عقب برگشته‌است. نشان‌های ظالمی سینه با نقب آرم دانشکده روی لباس‌های بچه‌ها خودنمایی می‌کند. اگرچه تغییر شکل ساختمان دانشکده از همان ابتدای ورود تود ذوق می‌زند اما به‌رحال همه می‌دانند که به کجا بازگشته‌اند؛ باید باشی و از نزدیک ببینی این همه شوروشوق را. لحظه‌های غریبی است. گاهی آدم فکر می‌کند به تصویر کشیدن حسنه‌هایی شگفت‌انگیز از این ضایقت عشق، غیرممکن می‌نماید. نگاه‌ها، آدم‌ها را شکار می‌کنند. اوضاع غریبی است. همه دلشان می‌خواهد با همکلاسی‌هایشان روبوسی کنند. شوق دیدن سالن ۱۰۰ تریا و کلاس‌های درس سرپای وجودم را فراگرفته با دوستان همکلاسی عزیزم سوبابه میرفخرایی و شهلا شریفی سراغ این فضا‌های خاطره‌انگیز را می‌گیریم. جوان مودبی کلید به دست می‌آید که راه را نشانمان دهد از پله‌های ۴۵ سال پیش پایین می‌رویم. شوق دیدار تریا، جای محبوبی که بیشتر از هر جای دیگر در چهار سال دانشجویی در آن به سر بردیم، قلب‌ها‌مان را به طیش واداشته است. در تریا که آن روزها مثل درهای کافه‌های تگزاس زابویسته می‌شد، سر جایش نبود. از در جدید وارد می‌شویم. اول فکر می‌کنیم راه را اشتباه آمده‌ایم. تریا، همان تریای محبوب خودمان نیست. بین سالن تریا را با پاراوان چوبی دیوار کشیده‌اند؛ یعنی تریا زئانه مردانه شده است. از خانم سرمست با آن چهره گشاده مهربان صبور، خیری نیست. توی دلم غیبه می‌خورم به آن روزها. یادم می‌آید که با همین همکلاسی‌های عزیز و دوستان دیگرمان دور یکی از میزهای تریا که حالا سر جایش نیست، کل با پوچ بازی می‌کردیم. با سگرمه‌های برآمده، تریا از ترک می‌کنیم.برنامه من‌قریب شروع می‌شود. سالن ۱۰۰ محصور بین دیوارهای بی‌پنجره، دارد خفه می‌شود. آن‌وقت‌ها که ما دانشجو بودیم، سمت حیاط دانشکده پنجره داشت؛به‌راحتی می‌توانستی سیزی چشم‌نواز باغچه را ببینی حالا اما در پنجره‌ها را بسته‌اند. هیچ روزنه‌ای به هوای تازه نیست! دوستان کارگروه در آخرین جلسه تصمیم گرفتند من مسیر اصلی مراسم باشم اما فکر کردم این نقش را بهتر است خسرو رفیعی که بیشترین زحمت را برای به‌انجام‌رساندن این کار بزرگ متحمل شده‌ است، ایفا کند که الحق خوب هم از عهده برآمد.

ادامه در صفحه ۴

مهرشاد ایمانی: روز گذشته نمایندگان مجلس با تصویب مصوبه‌ای عجیب، کاندیداتوری کسانی را که سه دوره نمایندنده بوده‌اند، ممنوع اعلام کردند. این مصوبه با پیشنهاد حسین امیری‌خامکانی به رأی‌گیری گذاشته شد که در نهایت با موافقت اکثریت نمایندگان به تصویب رسید. از روز گذشته واکنش‌های متعددی به این مصوبه ابراز شده است؛ برخی آن را باعث جوان‌گرایی مجلس می‌دانند و برخی دیگر چنین موضوعی را خلاف اصل ۶۳ قانون اساسی قلمداد می‌کنند. در این اصل آمده است: «دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود؛ به‌طوری‌که کشور در هیچ‌زمانی بدون مجلس نباشد». گرچه قانون‌گذار در اصل ۶۳ به‌طور مطلق نگفته است محدودیتی برای دوران نمایندگی وجود ندارد، اما هیچ قیدی نیز بر آن نگذاشته است. در مقابل این اصل می‌توان به اصل ۱۱۴ قانون اساسی اشاره کرد. قانون‌گذار در آن اصل مقرر کرده است: «رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است». در قیاس تطبیقی این دو اصل می‌توان گفت اگر قانون‌گذار برای ریاست‌جمهوری قید دوره را معین کرده است، می‌دانسته که می‌تواند برای نمایندگی مجلس نیز چنین قیدی را بگذارد و اگر چنین نکرده، بی‌تردید بنای نامحدودبودن دوران نمایندگی را داشته است. علاوه بر این، وقتی مشاهده می‌کنیم که قانون اساسی به‌شدت بر حفظ آزادی‌های مردم تأکید کرده است، باید برای هر تقییدی یک نشانه آورده شود و در صورت نبود نشانه و حتی در حالت عدم، باید قائل به آزادی اراده مردم بود. بنابراین نقیید، استثنا محسوب می‌شود و نمی‌توان حتی به بهانه سکوت قانون‌گذار بر آزادی انتخاب مردم قید گذاشت. این در حالی است که همان‌طور که گفته شد، اگر قرار به نشانه‌شناسی از قانون اساسی باشد، نشانه نامحدودبودن دوران نمایندگی بسیار برجسته‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین نحوه نظر می‌رسد مصوبه اخیر مجلس با مفهوم و منطوق قانون اساسی همخوانی ندارد و بعد است شورای نگهبان که رسالت حفاظت از قانون اساسی را بر عهده دارد، با آن موافقت کند.

مصوبه اخیر، سالب آزادی مردم است

سیدمحمد هاشمی، استاد حقوق عمومی، باور دارد مصوبه اخیر مجلس، آزادی مردم را سلب می‌کند و نتایج خوبی دربر نخواهد داشت. او به «شرق» چنین گفت: «دوره نمایندگی چهار سال است و قانون‌گذار اساسی برای دوران آن حد تعیین نکرده است. رئیس‌جمهور می‌تواند تنها دو دوره پایایی انتخاب شود، اما در اصل ۶۳ قانون اساسی چنین حالتی برای نمایندگان مجلس پیش‌بینی نشده است. علاوه بر این، قانون اساسی به صورت مدام در پی تحقق آزادی اراده مردم است و نمی‌توان با قوانین عادی و بدون توجه به نص قانون اساسی و نیت قانون‌گذار آزادی مردم را سلب کرد».

تقید دوره نمایندگی خلاف قانون اساسی است

آیت‌الله هاشم هاشم‌زاده‌مهرسی، حقوق‌دان و عضو مجلس خبرگان می‌گوید: مصوبه اخیر مجلس کاملاً خلاف قانون است و به‌هیچ‌وجه پذیرفته‌شده نیست. او به «شرق» گفت: «قانون اساسی درباره تعدد دوره‌های نمایندگی مسکوت است و در مقابل

سیاست

بررسی مصوبه مجلس درباره ممنوعیت تعدد دوران نمایندگی

آنان که دیگر نمی‌توانند نمایندده باشند



درباره رئیس‌جمهوری قید دو دوره عنوان شده است. اصل بر این است که نباید آزادی‌های مردم را محدود کرد و اگر قرار به محدودیت است، باید مجوز آن در قانون اساسی ذکر و قید شده باشد. بنابراین در تطبیق شرایط دوره‌های ریاست‌جمهوری با نمایندگی می‌توان دانست که برای قانون‌گذار اساسی نامحدودبودن دوره‌های نمایندگی مجلس چنان واضح بوده که از ذکر آن پرهیز کرده است. از سوی دیگر، محدودکردن نمایندگی به سه دوره پایایی با آزادی انتخاب مردم مغایرت دارد. مردم حق دارند نمایندگان خود را برگزینند؛ خود آن نماینده سه دوره یا بیش از آن نماینده بوده باشد. اگر برای رئیس‌جمهور قید عنوان شده، به این دلیل بوده است که در ریاست‌جمهوری احتمال تحکیم قدرت و فساد می‌رود؛ زیرا در صورت نبود قید زمان، ممکن است رئیس‌جمهوری مادام‌العمر حاکم شود، اما درباره نمایندگان مجلس چنین موضوعی صادق نیست یا دست‌کم در نگاه نویسندگان قانون اساسی چنین نبوده است».این فقیه در ادامه اظهار کرد: «در قانون اساسی نحوه برگزاری انتخابات به قوانین عادی واگذار شده است، اما در اصل ۶۳ قانون اساسی هیچ ارجاعی به قوانین عادی داده نشده است. با دانستن چنین موضوعی، باید قائل به آن باشیم که سکوت قانون‌گذار به معنای نامحدودبودن دوران نمایندگی مجلس شورای اسلامی است؛ مسئله‌ای که درباره نمایندگی مجلس خبرگان نیز مشاهده می‌شود. نمایندگانی که به سکوت قانون اساسی استناد می‌کنند، باید بدانند که محال است قانون‌گذار حواسش نبوده باشد. وقتی در یک‌جا برای ریاست‌جمهوری قید دو دوره را آورده است، طبیعتاً آگاه بوده که می‌توان برای مجلس نیز همین‌قاعده یا مشابه آن را اعمال کرد و هنگامی که چنین نکرده، یعنی قائل به نامحدودبودن دوران نمایندگی بوده است. به هر روی اصل بر این است که وقتی قیدی عنوان نشده، به معنای آزاد قلمداد می‌شود. شورای نگهبان در تمام این سال‌ها هیچ‌وقت نظر تفسیری درباره اصل ۶۳ ارائه نداده است؛ زیرا آن‌قدر صراحت و وضوح در مفهوم و منطوق اصل دیده می‌شود که نیاز به تفسیر نداشته است».

اراده قانون‌گذار اساسی بر نامحدودبودن دوران نمایندگی است

محمود صادقی، حقوق‌دان و نماینده مجلس معتقد است که اگرچه قانون اساسی به‌صراحت به

شود، گفت: «من به‌هیچ‌وجه مخالف جوان‌گرایی نیستم و باور دارم که باید چرخش نخبگان شکل بگیرد. به‌تازگی در ترکیه شرط سن نمایندگی به ۱۸سال کاهش داده شده است و این موضوع بسیار پسندیده است؛ زیرا جوانان محافظه‌کار نیستند و می‌توانند بدون هراس حقیقت را بیان کنند اما جوان‌گرایی باید با ابزار دموکراتیک صورت بگیرد؛ یعنی باید رای مردم باعث جوان‌گرایی شود و اکنون که سازوکار دموکراتیک بر انتخابات به‌طورکامل دموکراتیک نیست، نباید به‌راحتی به آن تن داد زیرا ممکن است مشکلات عدیده دیگری را ایجاد کند؛ هرچند بعید می‌دانم شورای نگهبان از لحاظ حقوقی و حتی سیاسی با مصوبه اخیر موافقت کند».

هدف سیاسی پشت این مصوبه پنهان است

علاوه بر وجوه حقوقی که مثبت مغایرت ممنوعیت توالی دوران نمایندگی با قانون اساسی است، از حیث سیاسی نیز مصوبه اخیر مجلس خالی از نقد نیست؛ به‌نحوی‌که روز گذشته رسول منتجب‌نیا، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره مصوبه اخیر مجلس به «انتخاب» گفت: «احتمال می‌دهم که یک هدف سیاسی پشت این موضوع پنهان باشد که بخواند تعدادی از چهره‌های شاخص مجلس را که افتخار مجلس هستند و می‌توانند مجلس را خوب مدیریت کنند و جهت بدهند، از کاندیداشدن محروم کند. با این مصوبه ممکن است افراد صفرگیلومتر و افرادی که تجربه لازم و کافی را ندارند، سمت‌هایی را در مجلس بر عهده بگیرند و این ضربه‌ای به نظام و قوه مقننه است». او ادامه داد: «به احتمال قطع به یقین شورای نگهبان این مصوبه را رد خواهد کرد». او افزود: «هر انگیزه‌ای که نمایندگان در تصویب این شرط داشته‌اند، تصمیم صحیح و درستی نخواهد بود زیرا نمایندگی مجلس کار اجرایی نیست که بگویند نماینده پس از سه دوره، دیگر توانی برای کار اجرایی ندارد؛ نماینده، وزیر یا استاندار نیست که بعد از سه دوره توان کار اجرایی نداشته باشد بلکه تجربه و اطلاعات لازم و اشراف لازم نسبت به مسائل در نمایندگی بسیار مؤثر است».این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: «اتفاقاً نمایندگان هرچه بیشتر سابقه حضور در مجلس را داشته باشند، بهتر می‌توانند مسائل را درک و احساس کنند و برای موضوعات راه‌حل پیدا کنند. زیرا مجلس فضایی است که تا نماینده منتخب بخواهد با آن آشنا شود، یک‌سال زمان می‌برد. نماینده‌ای که دو یا سه دوره در مجلس حضور داشته قطعا بر فضای مجلس مسلط است و بر مسائل اشراف دارد و می‌تواند از تجربیات خود استفاده کند؛ به‌همین دلیل در دنیا از کسانی که تجربه بیشتری را دارند و دوره‌های مختلف پشت سر گذاشته‌اند، به‌عنوان نماینده توالی دوران نمایندگی را بیشتر استفاده می‌شود. به نظر بنده این‌س مصوبه مفید که نیست هیچ؛ بسیار مضر است».آنچه از پس بحث‌های اخیر می‌توان برداشت کرد، این است که تقیید دوران نمایندگی خلاف نیت قانون‌گذار اساسی است و اگر چنین موضوع غیرحقوقی به سرانجام برسد، به‌صورت علنی قانون اساسی نادیده گرفته شده است؛ هرچند اعضای شورای نگهبان که وظیفه صیانت از قانون اساسی را برعهده دارند، به ایرادات مصوبه اخیر مجلس آگاه‌اند و احتمال می‌رود که آن را رد کنند.

مدتی در مجلس حضور داشتند استراحت می‌کنند». نمایندگانی که بر اساس این مصوبه دیگر امکان نامزدی در انتخابات بعدی مجلس را ندارند، محمد آشوری‌تازانی، اسفندیار اختیاری‌کسنوبیزد، حسین امیری‌خامکانی، عزیز اکبریان، مهرداد بانوچ‌لاهوئی، یونان بت‌کلیا، علاءالدین بروجردی، مسعود پزشکیان، محمدرضا تابش، کاظم جلالی، شهباز حسن‌پوربیکرلو، حسن خسته‌بند، محمد دهقانی‌نقدر، محمدرضا رضایی‌کوچی، علیرضا سلیمی، حسینعلی شهرباری، هادی شوشتری، محمدقسیم عثمانی، محمدحسین فرهنگی، حمیدرضا فولادگر، سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، نادر قاضی‌پور، هادی قوامی، حسن کامران‌دستجردی، جبار کوچکی‌نژاد، جواد کریمی‌قدوسی، محمدمحمد مفتاح، علیرضا محجوب، علی مطهری، سیامک مره‌صدق، سیدداده موسوی‌راگانی، علی لاریجانی، سیدحسین نقوی‌حسینی و عزت‌الله یوسفیان ملا هستند.

انتخابات حزبی می‌شود؟

حزبی‌شدن انتخابات مجلس نیز در ماده ۴ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس به تصویب رسید که بر اساس آن «بُت‌نام داوطلبان از طریق فهرست که احزاب یا گروه‌ها و تشکل‌های قانونی ارائه می‌کنند و یا به صورت منفرد انجام می‌پذیرد». سه‌ماهه دیگر طرح اما برای بررسی بیشتر با موافقت نمایندگان به کمیسیون شوراها ارجاع داده شد. در ماده ۵ این طرح پیش‌بینی شده بود که احزاب و گروه‌های سیاسی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی فهرست انتخاباتی بدهند و ارائه فهرست صرفاً توسط دبیرکل احزاب ملی و استانی به رسمیت شناخته شده بود. در ماده ۸ و ۹ این طرح هم میزان نصاب آرای نمایندگان در کل استان و شهرستان پیش‌بینی شده بود. ماده ۸ طرح نیز که بر اساس آن آرای دهنده‌گان می‌توانند بعد از نوشتن نام افراد یک لیست انتخاباتی، «عنوان» آن لیست را بنویسند، در مجلس تصویب شد. این ماده ۱۴۷ رأی موافق، ۵۸ رأی مخالف و یک رأی متنع داشت. پیش از این نمایندگان مجلس حوزه‌بندی حوزه‌های انتخابیه را هم در انتخابات مجلس مشخص کردند. بر اساس ماده ۹ طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات، صداسوسیمای نیز مکلف به انجام وظایفی شد. این سازمان مکلف شد که ضوابط حاکم بر فرایند انتخابات، تبلیغات و جرائم و تخلفات انتخاباتی را به نحو مناسب اطلاع‌رسانی کند.

ادامه از صفحه اول

تضعیف حقوق انتخاباتی ملت

نماینده‌ای که در فرایند دموکراتیک و سالم مشروعاََ رای حوزه انتخابیه خود را گرفته است و با درست‌کاری وظایف نمایندگی‌اش را انجام می‌دهد، چه اشکال دارد چندین و چند دوره نماینده باشد. مناسبات اگر سالم باشد، نیازی به این راه‌حل‌های مسئله‌ساز و خلاف قانون اساسی نخواهد بود. مجلس که نباید پیشگام تضعیف حق حاکمیت ملت باشد که یکی از مظاهر آن خود مجلس است.

۴-امیدواریم شورای نگهبان براساس اصول قانون اساسی این ماده را تأیید نکند.

تتهاترین رئیس‌جمهور

وضعیت دارو در آن سال‌ها در کشور ما بحران شده بود و مریض‌هایی بودند که دارو نداشتند تا مداوا شوند، اما امروزه در بهترین شرایط درمانی کشور هستیم. وضعیت صنعت هوایی کشور در بحران قرار داشت. بعد از دولت مصدق کی سراغ داریم که دادگاه لاهه به نفع دولت ایران رأی دهد. کدام کشور تا به امروز به فصل ۷ منشور سازمان ملل وارد شده و به سلامت از آن عبور کرده است. وضعیت ایجادشده مؤسسات بانکی در دولت قبل را به یاد بیاوریم که مردم هر روز جلوی بانک مرکزی شعار می‌دادند. امروز سرمایه مردم اعتماد به نظام است. احترام بزرگان نظام در دولت قبل کم‌رنگ شد و شان و جایگاه وزرا و معاونان با حرکات ناشایست و گرفتن رزبل، سید و گرفتن عکس تئزل پیدا کرد. امروز وزرا و معاونان ما در دنیا جایگاه دارند.امروز وقتی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل صحبت می‌کند خبری از حاله نور نیست و همه شرکت‌کنندگان به واسطه صحبت‌های عقلانی روی صندلی خود می‌نشینند.امروز از جملات قصار... را لولو برد ... خری نیست و جهان عاری از خنونت به اسم ایران اسلامی بُت می‌شود. همه به جایگاه ایران بزرگ احترام می‌گذارند، امروز کسی نیست که قهر اروزه کند و کسی سراغش هم نرود بلکه دولت در جایگاهی قرار گرفته که وقتی وزیر امور خارجه استعفا می‌دهد، همه واکنش نشان می‌دهند که او باید برگردد و استعفا او به نفع منافع و مصالح ملی نیست. این کارها تنها بخشی از عملکرد تتهاترین رئیس‌جمهور بود که خود بار این کشتی را بر دوش کشید. اما چرا ستاوردهای زاهردی دولت او کمتر در جامعه دیده شد. به دو علت:

اول: دولت در رسانه و انتقال دستاوردهای خود این سال‌ها به شدت منفعل عمل کرد.

دوم: نزدیکان رئیس‌جمهور فقط به فکر حفظ خود در قدرت بوده و هستند و دوست ندارند کمتر آسیبی ببینند.

امروز روحانی تتهاترین رئیس‌جمهور ایران است. در پایان یاد شعر استاد شهباز افتادم:

در دیاری که در او نیست شر برای کسی کاش یا رب که نیفتد به کسی کار کسی.

بستن کمر بند برای تغییر نظام تدبیر

ارقام و احکام اولیه این لایحه و تغییراتی که تا پایان بررسی‌های مجلس (طبق سابقه و سنت) می‌توان انتظار داشت، چندان امیدبخش نیست، چراکه بودجه دولت اگر هم برای گذران امور جاری دولت مناسب باشد، برای سامان شفافیش مشکلات و دردهای مزمن و جدید اقتصاد کشور چندان امیدبخش نیست؛ زیرا مشکلات و دردها (بحران‌ها) ریشه‌های کوتاه‌مدت ندارند که با این نسخه قابل التیام باشند؛ بی‌کاری، تورم، فقر رو به گسترش، خشکسالی و محیط زست، توسعه نامتوازن منطقه‌ای و شهری-روستایی، کلان‌شهرها، مقب‌ماندگی تکنولوژیک تولید در کشاورزی و صنعت، کیفیت نامناسب آموزش‌ها، مهاجرت‌های بی‌رویه، روابط بین‌المللی آسیب‌پذیر، دیوان‌سالاری ناکارآمد، زیربنای‌های فرسوده، فساد دامگینگر، تمرکز زیان‌بار ثروت، غیبت آینده و آینده‌پژوهی در رفتارهای فردی و عملکردهای بخشی و جمعی، کثرت قوانین و مقررات همراه با ضعف قانونمندی و چشم‌انداز مبهم و نگران‌کننده تأمین اجتماعی که می‌توانست در شرایط خطیر اقتصادی – اجتماعی یار و مددکار باشد... همه‌ومه صرف‌نظر از اینکه ریشه‌های تاریخی داشته یا ناشی از عملکردهای این یا آن دولت باشند، نمی‌توان تنها به بستن کمر بند دولت دل خوش کرد. درباره اصلاح نظام تدبیری که قادر به جلوگیری از این بحران‌ها و معضلات تاریخی با موضوعی نبوده است، شاهد راهکارها و برنامه‌هایی در مصوبات ملی بوده‌ایم، به‌عنوان نمونه‌ای موفق می‌توان اقدامات دکتر منتجب‌نیا، وزیر محترم اقتصاد را به‌عنوان پیشگام و رهرو این راه خطیر نام برد – شاید از شخصیت‌های س‌گانه مسئولان استراتژیک فعلی اقتصاد هم می‌توان انتظار پیشگامی در اصلاح نظام تدبیر (حکمرانی) اقتصاد را داشت؛ وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی. این سخن به این معنا نیست که دولت کارهای مناسبی انجام نداده است؛ بلکه با الهام از شکسیر می‌توان گفت: «خوبی‌ها درمان بدی‌ها نیست، با خیال خوبی‌ها نمی‌توان چیزی را درمان کرد و با این کار بر زشتی‌ها صد چندان افزوده می‌شود». بستن کمر بند دولت در سال آینده برای تغییر نظام تدبیر می‌تواند افتخاری برای مسئولان اقتصاد کشور باشد. آنها می‌توانند افتخار ماندگرتاری را با انجام مطالعات لازم برای اصلاحات نهادی بر پایه «برنامه مدیریت تغییر» و تحقق نقیضات تاریخی، تحولات و تخلفات نظام تدبیر و «اصلاح ساختاری کشور»، برای خود به ثبت برسانند.